

متن پرسش

سلام استاد: ناظر به پرسش قبلی این متن را هم تقدیم می‌کنم و ما را از نظر مبارک تان مستفیض بفرمایید. □ عنوان: جایگاه تاریخی انقلاب اسلامی و آینده‌ی توحیدی و تمدنی آن □ اسلام به خاطر توحید همه‌جانبه و عمیق و حکمت دقیقی که دارد، در مواجهه با پدیده‌های تاریخی که عقبه‌ی صد ها ساله و هزاران ساله دارند و در تار و پود زندگی و تاریخ جوامع تنیده شده‌اند، رویکردی خاص را اتخاذ می‌کند. نمونه‌اش پدیده‌های برده‌داری و چند همسری. □ اسلام چون گشودگی دارد و معاصریت را می‌شناسد و سخت از بی‌خردی و بی‌تاریخی و تحجر و دگماتیسم فاصله دارد، در ابتدای کار هیچ وقت با این پدیده‌ها برخورد حذفی نکرد و حتی خودش را هم از جامعه حذف نکرد و غار نشینی پیشه نکرد. □ بلکه با حضوری حکیمانه و سترگ آن‌ها را اصلاح کرد و به آن‌ها جهتی توحیدی و انسانی داد. به تعبیر دیگر با نفوذی خاص از بنیاد این پدیده‌ها تجلی کرد و مهارشان را در کف گرفت و به سمت و سوی قدسی و انسانی هدایت کرد. (جالب است امروز کسانی که دم از آزادی و ضدیت با تحجر و دگماتیسم می‌زنند، به اسلام اعتراض می‌کنند که چرا برده‌داری و... را به یکباره حذف و حرام نکرد!!) □ امروز هم انقلاب اسلامی که قطار توحیدی است که از آدم علیه السلام شروع شده و در ذات خودش تجلی توحید در این زمانه و تاریخ است، با جهان مدرن و پدیده‌های تاریخی تجدد رو در رو است. به این معنا انقلاب اسلامی یک پدیده‌ی مدرن است. ولی به قول جناب دکتر داوری اردکانی: «انقلاب اسلامی در وضع خاصی واقع شده و در همین وضع باید مورد نظر قرار گیرد؛ به شرط آنکه گمان نشود که انقلاب معلول و حاصل این وضع است!» □ مسئله‌ای که برخی گرفتار شدند و پنداشتند که انقلاب اسلامی بسط مدرنیته است. □ لذا انقلاب همچون عقابی که در حال فرود آمدن به زمین است و بال‌های خودش را گشوده، با پدیده‌هایی در زمین و زمان و جهان کنونی روبرو است. □ حال پرسش سترگ این است که پدیده توحیدی انقلاب اسلامی که در حال نزول و فرود آمدن است، می‌خواهد با جهان مدرن چه کند؟ و چگونه توحید را در جهان کنونی محقق کند؟! با دموکراسی، تکنولوژی، علوم تجربی، ساختارهای مدرن و... چه خواهد کرد؟ □ انقلاب نه به فکر حذف پدیده‌های جهان مدرن است و نه به فکر حذف خودش از این جهان و خالی کردن میدان. چون نه ممکن است و نه معقول. □ انقلاب به دنبال اصلاح جهان مدرن است. و می‌خواهد با تجلی خاصی از بنیاد این پدیده‌ها، جهت آن‌ها را در کف گرفته و به سمت و سوی الهی اصلاح و هدایت کند. این است «جایگاه تاریخی» انقلاب اسلامی. تا کنون چه اتفاقاتی افتاده؟ □ دموکراسی غربی شد جمهوری اسلامی و مردم سالاری دینی. یعنی نه نقش مردم حذف شد و نه امیال مردم تماماً میدان دار شد!

(اگر روزی دیدید روشنفکرانی در این کشور، از غم و غصه ی این پدیده دق مرگ شدند تعجب نکنید!)
□ لذا استکبار و روشنفکران غرب پرست حیران و سرگردان مانده اند که با این پدیده ی جمهوری اسلامی چه کنند. چون جمهوریتش مانع شده که او را متهم به دیکتاتوری و استبداد کند، و اسلامیتش مانع شده که کفر و شرک و استکبار و نیهیلیسم او به تمامه در ایران جاری شود! □ حال پرسش این است که در ادامه انقلاب اسلامی، تحقق توحید و ایجاد سبک زندگی موحدانه چگونه امکان پذیر است؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همین طور است که می‌فرمایید که از یک طرف ما در جهان جدید با نظمی روبرو هستیم که همراه است با توسعه یافتگی و از طرفی نظام دانایی جهان آمریکایی محتاج اندیشه فلسفی دیگری است که از یک طرف در آن نظم حاضر باشیم و از طرف دیگر در آن نظام فلسفی که ابعاد قدسی انسان را مد نظر دارد انسان خود را معنا کند. نظام دانایی دوره‌ای که باید در آن باشیم نمی‌تواند از علم و فناوری غفلت کند، در عین آنکه این انسان باید در احساس بودن خود به عنوان بودن تاریخی علم و فناوری را مد نظر داشته باشد، تا نه از نظم بشر جدید و جهان مدرن بیرون باشد و نه گرفتار جهان بی روح آمریکایی گردد، اینجاست که باز آینده و باز حضوری دیگر. به نظر بنده هر اندازه نسبت به جهان مدرن و روح آمریکایی به عنوان نهایت جهان مدرن، بیندیشیم نتیجه خواهیم گرفت. به گفته فوکو باید آنچه آمریکا را آمریکا کرده است تبارشناسی شود. در آن صورت است که ما می‌توانیم خود را در این جهان در عین هویت و حضور آخرازمانی حاضر کنیم و ادامه دهیم، هرچند با کسانی روبرو هستیم که به معنی حضوری غیر از حضور ایرانی دلبسته‌اند، نظم جهان جدید برایشان معنا ندارد و نمی‌توانند نسبتی با مردم غزه و فلسطین و لبنان به عنوان بودن که بودن ما است برقرار کنند ولی این ما هستیم و سبکی که از طریق انقلاب اسلامی در این تاریخ پیش آمده.

با توجه به آنچه می‌فرمایید آری! اگر مدرنیته وضعی است تاریخی و جهانی، و از این جهت امکان عبور از آن نیست؛ پس باید متوجه باشیم که می‌توانیم آن وضع تاریخی را از آن خود کنیم ولی در بستر وضعیت تاریخی خود، بدون آن که لازم باشد وابسته به جهان مدرن باشیم و استقلال خود را از دست بدهیم. و این با نظر به آرمان‌گرایی انقلاب اسلامی و با نظر به افقی که آن انقلاب مقابل ما می‌گشاید ممکن است، از آن جهت آن «حضور» در واقع حضور در تاریخی است که موجب تجدید عهد ما با سنت تاریخی‌مان می‌شود ولی با خلق زبانی جدید و در بستر گفتمان و دیالوگ. موفق باشید